

توسعه خط مشی سیاست خارجی روسیه با ایران در نیمه اول قرن هجدهم

معصومه اختیاری



عکس آرتمی پتروویچ والنسکی

ربع اول قرن هجدهم به یک دوره مهم در تاریخ سیاست خارجی روسیه تبدیل شد. در این زمان، سازماندهی جدید در منافع سیاست خارجی روسیه که در ارتباط مستقیم با اهداف پتر اول بود، انجام شد. یکی از اجزای دکتترین سیاست خارجی امپراتوری روسیه، حمایت و دفاع مداوم از منافع استراتژیکش در جنوب شرق بود. روسیه همیشه شاهد درگیری‌های مداوم با عثمانی بر سر اختلاف ناشی از اراضی مرزی بین دو کشور بود. روسیه در هر لحظه آماده دفاع در برابر حملات تازه بود و فعالانه برای تأمین امنیت در مرزهای خود، به ویژه در دریای خزر و قفقاز، تلاش می‌کرد. در این زمینه، در وهله اول روابط با ایران حائز اهمیت بود که از یک طرف می‌توانست به یک وزنه تعادل و متحد در برابر عثمانی و از سوی دیگر به یک شریک تجاری سودآور امپراتوری تبدیل گردد.

یک قدم مهم در توسعه روابط روسیه و ایران در آغاز قرن هجدهم، ارسال آرتمی پتروویچ والنسکی در سال ۱۷۱۵م به عنوان سفیر به ایران بود که منجر به امضاء یک معاهده تجاری با سلطان حسین و آشنایی با اوضاع سیاسی داخلی ایران گردید. هدف مأموریت والنسکی دیپلماتیک بود، اما در عین حال، وی شاهد برکناری و سپس قتل شاه حسین و از سوی دیگر نگرانی روسیه در مورد تاج و تخت و وضعیت بحرانی

توسعه خطمشی سیاست خارجی روسیه با ایران در ... / معصومه اختیاری



حاکم در ایران بود. در گذشته و قبل از امپراتوری صفویه، با ایجاد بحران در دولت مرکزی، از گسترش و افزایش این بحران در سایر مناطق کشور، به ویژه در نواحی مرزی و نزدیک به اراضی عثمانی، جلوگیری شده بود. والنسکی در گزارش‌های خود به پادشاه، با اشاره به ضعف حکومت ایران در مورد اشغال سواحل جنوبی دریای خزر توسط قوای روس و با استفاده از ضعف دولت مرکزی، پیشنهاد می‌دهد.^۱

مورخ ایرانی، عبدالرضا مهدوی، از اوضاع ایران، مأموریت والنسکی، جمع‌آوری اطلاعات دقیق در مورد موقعیت سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی ایران، تأیید بحران و ضعف داخلی کشور، مطالب جالبی ارائه می‌دهد.^۲ او همچنین این دیدگاه را مطرح می‌کند که گزارشی را که والنسکی از بی‌ثباتی داخلی و خطر فتح ایران توسط افغان‌ها ارائه می‌دهد، در واقع زنگ خطر و ندای وارد عمل شدن پتر اول در سواحل دریای خزر است.

عکس فرماندهان نظامی در آستاراخان



ادامه سیاست‌های مرتبط با ایران با انتصاب والنسکی به عنوان اولین فرماندار آستاراخان در مارس ۱۷۲۰ م. به وضوح روشن بود. در زمان فرمانداری والنسکی در آستاراخان، او ولایت خود را به تدریج به یک پاسگاه مرزی در محدوده دریای خزر برای آمادگی برای لشکرکشی به ایران تبدیل کرد. بخشی از یک طرح کلی برای سازماندهی سیاست خارجی امپراتوری روسیه در رابطه با لشکرکشی به ایران و قفقاز که به فرماندهی ودین ک.پ. وسویمونووا، ف.ی. ۱۷۱۹-۱۷۲۰ م. به اجرا در آمد. طبق تحقیقاتی که تحت کنترل مستقیم والنسکی از طریق

عکس فئودر ایوانوویچ سویمونوف

آستاراخان در سواحل دریای خزر صورت می‌گرفت، وی همچنین به عنوان فرماندار آستاراخان، طبق دستور پتر اول، شروع به

ساخت کشتی‌های جنگی برای نیروی دریایی روسیه نمود که در آینده به عنوان پایه و اساس ناوگان قدرتمند روسیه در خزر، اعمال نفوذ نمود. در منابع ایرانی، انتصاب والنسکی به عنوان فرماندار آستاراخان،

1. Комаров В.В. Персидская война 1722—1725. Материалы для истории царствования Петра Великого. М.: В Университетской типографии (Катков и К^о), 1867.16с.

۲. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دروان صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۳۲.

یک عامل مهم در توسعه روابط دو جانبه و نشانگر فعالیت دیپلماتیک پتر اول در گذشته است. این مسئله رابطه مستقیم آن را با سیاست اتخاذ شده با ایران در زمان پتر اول، تأیید می‌کند. اهداف پتر اول در گزارش سفیر، به وضوح ذکر شده و انتصاب وی به عنوان فرماندار حاجی ترخان، جهت عملی کردن اهداف سیاسی مد نظر امپراتور بوده است.^۱

البته در سال ۱۷۲۲ م. در اولویت اول سیاست خارجی روسیه در دریای خزر، مشارکت عمده نظامی و لشکرکشی به ایران قرار داشت، به طوری که در زمان فرمانداری والنسکی، آستاراخان به مرکز نظامی روسیه در منطقه دریای خزر تبدیل شد.

طبق فرمان پتر اول سرلشکر ماتیشکین م.آ به عنوان فرمانده نیروی زمینی، اطاعت کامل از دستورات فرماندار والنسکی می‌کرد، همان‌گونه که روزنامه‌های محلی در صورت لزوم از والنسکی در جهت اجرای اهداف سیاست خارجی امپراتوری روسیه، حمایت تام می‌نمودند.^۲ در ۵ نوامبر سال ۱۷۲۲ م. در آستاراخان قراردادی توسط پتر اول به امضاء رسید؛ در شرایطی که نیروهای روسی در حال اشغال گیلان و باکو بودند و در عین حال فرماندار آستاراخان نیروهای نظامی مستقر در منطقه را پشتیبانی مالی و نظامی می‌کرد. در دیگر فرمان امپراتور روسیه به ماتیشکین در تاریخ نهم سپتامبر ۱۷۲۳ م. آمده است: «برای فرماندار آستاراخان والنسکی درباره ارسال ریکروتوف با رضایت خاطر نزد لواشف در... و در رابطه با ارسال پول از آستاراخان برای او به مبلغ ۳۰۰۰ روبل، به زودی اقدامات لازم صورت خواهد گرفت».^۳

همچنین در طول لشکرکشی نظامی به ایران، آستاراخان علاوه بر اهمیت نظامی، موقعیت دیپلماتیک هم به دست آورد. سفیر ایران، اسماعیل بیگ، در بهار سال ۱۷۲۳ م. در آستاراخان از حمله نظامی نیروهای روسی آگاه و با ارسال نامه به حاکم باکو، از او درخواست کرد در برابر قوای روس و شورشیان منطقه، مقاومت کند.^۴ در ابتدا، اهالی باکو درخواست اسماعیل بیگ را رد کردند؛ اما تصمیم گرفتند در برابر قوای روس، مقاومت نظامی داشته باشند. واقعیت این است که این نامه در ایران نوشته نشده و در مواردی صحت ارسال این پیام توسط سفیر ایران در آستاراخان به میزان قابل توجهی کاسته شده و در کل تردید کامل در این باره وجود دارد و آن هم به دلیل مدت زمانی است که صرف محاصره باکو شد. و در نهایت در ۲۶ ژوئیه باکو توسط قوای روس تصرف گردید.

لازم به ذکر است که پس از اشغال باکو توسط قوای روس طبق فرمان امپراتور فرماندهی منطقه را یکی

۱. بینا، علی اکبر، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، تهران، ۱۹۹۴، ص ۱۹

2. Советско-иранские отношения в договорах, конвенциях и соглашениях М.: Министерство Иностранных Дел, 1946.46с.

3. Комаров В.В. Персидская война 1722—1725. Материалы для истории царствования Петра Великого. М.: В Университетской типографии (Катков и К°), 1867.56с.

4. Соймонов Ф.И. Описание Каспийского моря и чиненных на оном российских завоеваний, яко часть истории государя императора Петра Великого. СПб., 1763. 101 с.

از فرماندهان نیروهای زمینی سرتیپ بوریا تنسکی، م.م. به عهده گرفت و حاکم سابق باکو، سلطان محمد حسین و سه برادرش با دارایی‌های خود با کشتی سویمونف وارد آستاراخان شدند.^۱ طبق گزارش ستوان ماتیشکین به پطراول، سلطان و برادرانش در آستاراخان در بازداشت به سر می‌برند و از مجموعه اموالی که همراه آورده‌اند، برای تهیه مایحتاج به هر کدام از اعضاء خانواده روزی دو کپک پرداخت می‌شود.^۲ پتر در نامه‌اش به تاریخ ۲۳ اکتبر سال ۱۷۲۴ م. به غیر از سلطان به ساکنان باکو و دیگر مناطق از جمله دربند اجازه داد تا همراه زن و فرزندانشان به آستاراخان فرستاده شوند و همین طور اهالی دربند را به شدت تحت نظر بگیرند و هرکسی را که ضد امپراتوری روسیه فعالیت کند، سریع اعدام نمایند.^۳

از وقایع مهم سال ۱۷۲۳ م. لشکر کشی به ایران و بسته شدن قرارداد صلح بین ایران و روسیه بود. سفیر ایران اسماعیل بیگ، پس از گذراندن مدتی در آستاراخان، برای مذاکره با امپراتور روسیه عازم پایتخت شد و در ۱۲ سپتامبر، معاهده صلح بین روسیه و ایران بسته شد و طبق مفاد این قرارداد، ایران به دست خود مجبور به واگذاری اراضی سواحل دریای خزر و استان گیلان، مازندران، استرآباد و داغستان به روسیه گردید. پس از امضای توافقنامه، اسماعیل بیگ در آستاراخان مستقر شد و از بازگشت به ایران امتناع کرد. او در آستاراخان بیست سال زندگی نمود که علت آن وطن فروشی و رسوایی‌ای بود که با بستن قرارداد در سن پترزبورگ به بار آورده بود. و خوشایند شاه ایران نبود.

از عوامل مهم توسعه سیاست خارجی ایران با روسیه در سال‌های ۳۰-۴۰ قرن هجدهم، می‌توان به موارد زیر، اشاره کرد:

اولاً سقوط سلسله صفویه، ظهور و به قدرت رسیدن نادر شاه، حاکم بلند پرواز و جنگ طلب؛ ثانیاً پس دادن استان‌های شمالی ایران بر اساس قراردادهای رشت در سال ۱۷۳۲ م. و گنجه در سال ۱۷۳۵ م علاوه بر نقل و انتقال اراضی ایران بر اساس شش بند توافق شده در قرارداد گنجه، ساکنان مناطق متصرفه توسط امپراتوری روسیه، باید به محل سکونت سابق خود باز گردند.^۴ آستاراخان، محل بازداشت بسیاری از ساکنان باکو و داغستان بود که بعد از لشکر کشی قوای روس به ایران، از ترس شاه به جرم خیانت به آستاراخان فرار کرده بودند یا به زور بعد از تصرف شهرهایشان به آستاراخان تبعید شده بودند. اجرای مفاد قرارداد بر اساس مکاتبات بین فرمانده قوای روس مستقر در ایران واسیلی لواشف و فرماندار آستاراخان، ایوان پتروویچ ایزمایلف صورت گرفت که این مکتوبات در بایگانی منطقه، حفظ شده است.

1. Соймонов Ф.И. Описание Каспийского моря и чиненных на оном российских завоеваний, яко часть истории государя императора Петра Великого. СПб., 1763. 105 с.
2. Комаров В.В. Персидская война 1722—1725. Материалы для истории царствования Петра Великого. М.: В Университетской типографии (Катков и К°), 1867.60с.
3. Комаров В.В. Персидская война 1722—1725. Материалы для истории царствования Петра Великого. М.: В Университетской типографии (Катков и К°), 1867.65с.
4. Советско-иранские отношения в договорах, конвенциях и соглашениях М.: Министерство Иностранных Дел, 1946.23 с

توسعه خط‌مشی سیاست خارجی روسیه با ایران در ... / معصومه اختیاری



عکس ایوان پتروویچ ایزمایلف

در روز ۲۲ نوامبر سال ۱۷۳۵م بر اساس مفاد قرارداد و طبق گزارش ارسالی لوائشف به ایزمایلف، افراد گریخته از اراضی متصرفه به روسیه در حال بازگشت به مناطق خود هستند: «زمانی که برای انجام این کار در نظر گرفته شده، محدود و سریعاً برای ثبت نام اسامی افراد و استردادشان باید اقدام کرد، قبل از این که دولت ایران منصرف شود»^۱.

پس از اتمام مدت زمان تعیین شده توسط فرمانداری آستاراخان، در این منطقه ۸۷ ارمنی همراه زن و فرزندان خود دستگیر شدند که این افراد ایرانی با همسران و کودکان خود از آستاراخان اخراج گردیدند. این نشانگر افزایش حدود اختیارات فرمانداری آستاراخان در سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران بود. فعالیت‌های نظامی نادرشاه و به ویژه لشکرکشی او به داغستان،

به طور مستقیم به مرزهای روسیه، موجبات نگرانی شدید در مسکو شد. اقدامات تهدید آمیز از طرف حاکم ایران در قبال روسیه از طریق بیانیه‌های دیپلماتیک توسط مترجم نادر شاه براتیشچف، و ف به فرماندار آستاراخان واسیلی تاتیشچف و شاهزاده واسیلی دالگاروکی که اداره منطقه را بر عهده داشتند، ارسال می‌شد.^۲ در گزارش آنها آمده است که شاه واقعاً آماده برای آغاز



عکس مترجم نادر شاه براتیشچف

جنگ است، به طوری که تمام امکانات و تجهیزات لازم از سپاه گرفته تا مهمات را در استپ‌های مغان جمع‌آوری و مستقر کرده است. تاتیشچف با اطمینان کامل بیان می‌کند که این اقدامات به طور مستقیم امپراتور روسیه را تهدید می‌کند: «همه شاهان مغرور ناگزیرند تا در مقابل امپراتوری روسیه متواضع و برای حفظ حاکمیت خود، دوراندیش باشند».^۳

به نوبه خود بر اساس اطلاعات موجود، می‌توان نتیجه گرفت که حاکم ایران به انجام یک سیاست دوگانه نسبت به روسیه دست زد. از یک طرف امکان به دست آوردن حمایت از خود در مبارزه ضد امپراتوری عثمانی که این طبق نظر براتیشچف با منافع امپراتوری

روسیه مطابقت نداشت. و از طرف دیگر آمادگی کامل نظامی در صورت لزوم برای حمله به روسیه را داشت. واسیلی براتیشچف، درباره دوره فرمانداری خود از ۱۴ ژانویه سال ۱۷۴۳ م. در آستاراخان، این‌گونه

1. Государственный Архив Астраханской области, Ф. 394. Д.6.
2. Государственный Архив Астраханской области, Ф. 394. Д.69.
3. Государственный Архив Астраханской области, Ф. 394. Д.69.



واسیلی دالگاروکی



واسیلی تاتیشچف

می نویسد: «شاه هیچ علاقه به مساعدت دولت ایران برای حمله به امپراتوری عثمانی را نداشت، بلکه با شدت تمام در صدد حفظ منافع خود در رابطه با سلطان عثمانی بود»^۱. براتیشچف تلاش می کرد تا به هر نحوی، از آغاز جنگ میان ایران و روسیه جلوگیری نماید. او در پی یافتن میانجی از افراد با نفوذ و نزدیک به شاه بود تا از این طریق، تصمیم شاه را تحت تأثیر قرار دهد و از آغاز جنگ ممانعت نماید. ضروری است تا اطلاعات انتقال داده شده از طریق فرمانداری آستراخان را در این رابطه مد نظر گرفت، به عنوان مثال گفتگو با مهدی خان، یکی از افراد نزدیک به شاه که می گوید: «او نیز جزء افرادی است مخالف ایده نادر شاه برای آغاز جنگ با روسیه است و از فکر نادر برای حمله به روسیه پشتیبانی نمی کند و آن هم به دلیل عدم اطمینان به موفقیت حمله نظامی است. در عین حال، تعیین سیاست خارجی برای ایران کار ساده‌ای نیست. براتیشچف گزارش می دهد: «همه وزراء ایرانی با شاه، برای بر هم زدن صلح میان ایران و روسیه موافق نیستند، چرا که کار با ترک‌ها به سمت نزاع پیش می رود»^۲. براتیشچف پنجم ژانویه سال ۱۷۴۳ م. عازم مذاکره با شاه ایران و ارائه حکم ملکه در رابطه با تعیین برادرزاده پیتراول به عنوان وارث تاج و تخت امپراتوری روسیه بود. او همچنین به نادرگفت که همه مردم روسیه «از تمام رده ها» و اعضاء دولت از رتبه‌های «پایین به بالا»، سوگند وفاداری نسبت به وارث امپراتوری ایراد کرده‌اند. در عوض، شاه ایران تردید خود را در مورد عدم وفاداری به سوگند یاد شده ابراز نمود، و متذکر شد که این سوگند وفاداری، چندان دوام نخواهد آورد. همان گونه که نادر پیش‌بینی کرده بود، مدتی پس از مرگ ملکه آنا ایوانوئا، سوگند وفاداری را به برادرزاده دو ماهه ایوان و نایب‌السلطنه او ایراد کردند. این تغییر مهم در نحوه انتخاب وارث تاج و تخت امپراتوری روسیه، بر سنت رایج برای تعیین جانشین، تأثیر گذاشت که در ادوار بعدی نیز ملموس بود.^۳

1. Государственный Архив Астраханской области, Ф. 394. Д.68.
2. Государственный Архив Астраханской области, Ф. 394. Д.70.
3. Государственный Архив Астраханской области, Ф. 394. Д.76.

بنابراین از آغاز قرن هجدهم، روند سیاست خارجی روسیه به یک مسئله اصلی مبدل شد. آستاراخان در نتیجه تلاش‌های پتر اول، یک مرکز کلیدی در این سیاست و حتی پس از تکمیل فعالیت‌های اصلی در چارچوب اجرای طرح لشکرکشی به ایران، همچنان جایگاه کلیدی خود را در منطقه حفظ کرد. آستاراخان به سبب موقعیت عالی استراتژیک در ارتباط با مناطق مرکزی کشور از طریق سیستم رودخانه‌ای و از طریق ولگا، به تدریج به یک مرکز مهم سیاست خارجی روسیه تبدیل شد. این به معنی تغییر سیاست روسیه در حل مشکلات سیاست خارجی با ایران به واسطه مقامات محلی بود. والی آستاراخان و سیستم اداری والی حافظ منافع روسیه در دریای خزر بود. انتصاب والنسکی به عنوان والی آستاراخان توسط پتراول برای این بود که در اسرع وقت، شرایط را برای پیشرفت‌های بیشتر در ایران و قفقاز آماده کند. او پس از یک مأموریت دیپلماتیک در ۱۷۱۵م. اطلاعات کافی را در مورد وضعیت ایران به دست آورده بود. تأسیس نیروی دریایی روسیه در اوایل سال‌های بیست قرن هجدهم و آغاز سفرهای شناسایی - تحقیقاتی توسط سویمونفواف، در دریای خزر، نقش مثبت و قابل توجه آستاراخان را در تعیین سیاست خارجی روسیه و منافع نظامی در رابطه با ایران نشان می‌داد.

مأموریت دیپلماتیک سفیر ایران، اسماعیل بیگ، به سن پترزبورگ و سپس پناهندگی وی به دولت روسیه و ادامه زندگی در آستاراخان، کار روسیه را برای تعیین مواضعش در سواحل دریای خزر در محدوده ایران، آذربایجان و داغستان تا حد زیادی، ساده می‌کرد.

در نیمه اول قرن هجدهم میلادی، پس از اعاده مجدد استان‌های مجاور دریای خزر از طرف روسیه به ایران، هدف اصلی سیاست خارجی روسیه حفظ روابط صلح آمیز با نادر شاه و جلوگیری از شروع جنگ مجدد بود. بازگشت فراریان به آستاراخان و استرداد آنها طبق شواهد و منابع فارسی از پای‌بندی جدی به استراتژی و تمایل روسیه به انجام صادقانه شرایط و مفاد قراردادهای منعقد شده بین دو دولت بود. در این شرایط، خطر تهدید و آغاز جنگ وجود داشت. آستاراخان به عنوان مرکز جمع‌آوری اطلاعات رسیده از ایران راجع به فعالیت‌های ضد روسی شاه بود که این اطلاعات برای تعیین خط‌مشی سیاسی در رابطه با ایران، استفاده قرار می‌شد.